

مختصات جهان اجتماعی

دکتر محسن گودرزی

آبان ۱۳۸۷

مقدمه مايلم بحث خود را با طرح مقدمه‌ای کوتاه در بارهٔ ضرورت انجام تحقیقات پیمایشی آغاز کنم. در زمینه چنین بحثی است که می‌توان تحلیل واقع‌بینانه‌تری از یافته‌ها به دست داد و از تفسیر فراتر و یا کمتر از داده‌ها پرهیز کرد. همانطور که می‌دانید گاه پیش می‌آید که تفسیرها بیش از داده‌ها سخن می‌گویند، تفسیرهایی که بیش از توان داده‌ها هستند. صورت مقابل آن نیز ممکن است یعنی تفسیرها لاغر از داده‌ها هستند. این که داده‌ها در چه شرایطی تولید شده‌اند، امکان ارزیابی را برای تحلیل آن فراهم می‌کند.

تا حدود ۱۰ سال پیش برای توصیف موقعیت اجتماعی و فرهنگی، داده‌های کافی در دست نداشتیم. داده‌هایی که وضعیت متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را در سطح کشور به دست دهد و امکان مطالعه تغییرات آن را در طول زمان فراهم کند. به همین دلیل، تلاش‌هایی برای تولید این داده‌ها از اواسط سال‌های ۱۳۷۰ صورت گرفت. از جمله مهم‌ترین آنها «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» است که در دو سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ انجام شد. البته هنوز هم این داده‌ها برای شناخت وضعیت فرهنگی و اجتماعی کافی نیستند ولی می‌توان با اتکاء به آنها تصویری عمومی از وضعیت نگرشی و رفتاری جامعه ارائه داد.

پیش از این در سال ۱۳۵۳ تحقیقی مهم به همت استاد فقید دکتر علی اسدی با عنوان "گرایش‌های اجتماعی و نگرش‌های فرهنگی مردم ایران" در سطح مناطق شهری و روستایی انجام شده بود. مرحوم اسدی مبتکر و پیشگام پیمایش‌های عمومی در کشور است و به نظر من، تحقیقات بعدی ادامه کار اوست. متأسفانه تحقیق وی آن‌چنان که باید در محافل علوم اجتماعی شناخته شده نیست و در باره آن کمتر بحث می‌شود. از طریق ارزیابی و نقد این تحقیق می‌توان قدم‌های بعدی را در تحقیقات پیمایشی برداشت ولی فراموشی این کار باعث شده تا سیاست‌ها و اقدامات پژوهشی گسسته و بی‌گذشته باشد.

در سال‌های بعد از انقلاب، دکتر منوچهر محسنی این سنت را ادامه داد و تحقیقی را بر مبنای کار مرحوم اسدی با عنوان «آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی» در ۱۵ شهر از ۵ استان کشور انجام داد.

«پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» بر این دو تحقیق متکی است و بر اساس ارزیابی و نقد این دو کار شکل گرفته است. از این رو، وام‌دار آنها و ادامه‌دهنده سنت آنها در تحقیقات پیمایشی است.

این پژوهش از نوع پیمایش عمومی است. یعنی تلاش تصویر عمومی و نسبتاً گسترده از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی به دست دهد. شاید بتوان آن را به عکس‌هوایی تشبیه کرد که برای عمومیت داده‌ها از جزئیات صرف‌نظر می‌کند. این نکته مهمی است که در ارزیابی این نوع تحقیقات فراموش می‌شود. هدف این تحقیق این نیست که از یک متغیر، اطلاعات وسیع و جزیی به دست دهد بلکه بر عکس تلاش می‌کند از تعداد زیادی از متغیرها، اطلاعات کلی و اندک تولید کند. به همین دلیل این تحقیقات خود را محدود به یک

دیدگاه نظری نمی‌کنند و داده‌هایی را تولید می‌کنند که در ترسیم نقشه عمومی وضعیت اجتماعی و فرهنگی موثر باشد.

در این پیمایش متغیرهای مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفت: تصورات مردم راجع به ارزش‌های خانوادگی، عدالت، دین‌داری و گرایش‌های مذهبی، احساس امنیت، اعتماد به گروه‌های اجتماعی و شغلی، میزان اعتماد به نهادهای سیاسی و ... نتایج به دست آمده در مجموعه کتاب‌هایی با عنوان "ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" منتشر شده است. در این مجال بخشی از این یافته‌هایی که گمان می‌کنم با فعالیت مؤسسه‌ی رحمان ارتباط بیشتری داشته باشد، ارائه می‌کنم. فقط باید به این نکته توجه کرد که این یافته‌ها مربوط به سال ۱۳۸۲ است و حدود پنج سال از آن گذشته است، طبیعی است که در این فاصله تغییراتی ایجاد شده باشد. نکته دیگر این که جامعه آماری این تحقیق، ساکنان شهرهای مرکز استان هستند. در تعمیم نتایج باید به این نکته توجه داشت.

در گزارشی که خدمت شما عرضه می‌کنم تاکید خود را بر برخی متغیرها می‌گذارم و از گزارش کلیت تحقیق صرف‌نظر می‌کنم. تصور می‌کنم با توجه به فعالیت موسسه در زمینه آسیب‌شناسی، شاید بهتر باشد به مختصات جهانی اجتماعی از دید مردم بپردازم. مقصودم این است که جهان اجتماعی خود را چگونه می‌یابند و چه نگرش یا احساسی نسبت به آن دارند. برای ترسیم این جهان به متغیرهای خصوصیات اخلاقی، عدالت، آینده و اعتماد می‌پردازم. البته به تناسب از برخی دیگر از یافته‌ها به ویژه در باره زنان و خانواده هم سخن خواهم گفت گرچه شاید به بحث جهانی اجتماعی ارتباط مستقیمی نداشته باشد ولی برای درک نگرش زنان نسبت به جهان اجتماعی مهم است.

نکته دیگری که اشاره به آن را لازم می‌دانم، خصلت توصیفی بحث من است. در این گزارش کمتر به تحلیل یافته‌ها می‌پردازم و بیشتر تلاش می‌کنم توصیفی از وضعیت متغیرها به دست دهم. هر چند لابلای بحث اشارات کوتاه تحلیلی هم خواهم داشت.

## ۱. وضعیت اخلاقی جامعه

اولین یافته‌ای که به آن اشاره می‌کنم تصور مردم از وضعیت اخلاقی جامعه است. مردم چقدر جامعه را اخلاقی می‌دانند؟ فلسفه‌ی پشت این سؤال این است که افراد خود را در چه جهان اجتماعی حس می‌کنند؟ جهانی که در آن قرار گرفته‌اند، از دید آنها چه مختصاتی دارد؟ میزان تعلق و دلبستگی مردم به این فضا ناشی از همین تصور است که چقدر جامعه را اخلاقی، عادلانه و قابل اعتماد می‌دانند. چقدر آینده را

امیدوارکننده و روشن می‌بینند؟ بر اساس این متغیرهاست که احساس دل‌بستگی و تعلق هم افزایش یا کاهش می‌یابد.

مجموعه‌ای از صفات (مثبت و منفی) به افراد ارائه و از آن‌ها خواسته شد که نظر خود را در باره وضعیت آنها بیان کنند. همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد افراد معتقدند که صفات اخلاقی مثبت در جامعه کمیاب و صفات اخلاقی منفی در جامعه رایج است. نکته جالب این که وقتی که راجع به صفات منفی از مردم سؤال می‌شود، مردم ارزیابی منفی‌تری ابراز می‌کنند. آنچه که از مجموعه‌ی این داده‌ها به دست می‌آید این است که مردم خود را در جامعه‌ای غیراخلاقی می‌بندد، جامعه‌ای که ارزش‌های مثبت اخلاقی کم‌فروغ شده و ارزش‌های منفی جای بیشتری یافته‌اند.

جدول ۱- مقایسه ی میانگین های صفات مثبت و منفی در جامعه

۱۳۸۲	۱۳۷۹	<u>کمیابی صفات مثبت</u>
۵۶	۵۱	گذشت
۴۱	۴۲	امانت‌داری
۵۶	۵۸	انصاف
۳۶	۳۵	کمک به دیگران
۵۹	۵۵	صداقت و راستگویی
۴۹	۴۵	پایبندی به قول و قرار
۱۳۸۲	۱۳۷۹	<u>رواج صفات منفی</u>
۶۸	۶۸	دورویی و تظاهر
۷۵	۷۴	تقلب و کلاهبرداری
۷۳	۶۸	تملق و چاپلوسی

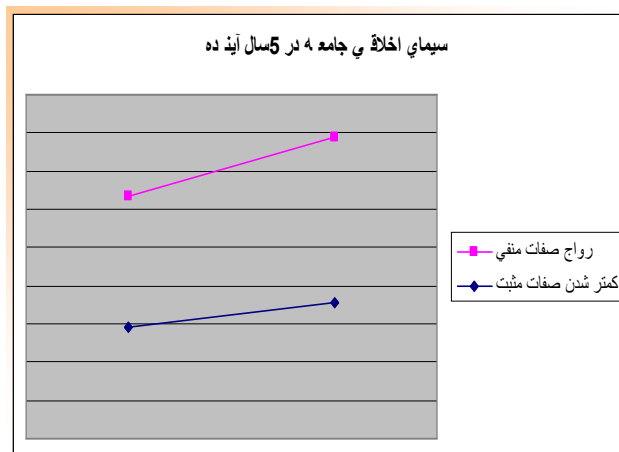
تحلیل عاملی نشان می‌دهد که دو مجموعه صفات مثبت و منفی روی عامل‌های مختلف بار شده‌اند. به عبارت دیگر این دو مجموعه صفت که به لحاظ مفهومی از یکدیگر متمایز شده بودند، به لحاظ آماری نیز با یکدیگر متفاوت هستند و بنابراین دارای اعتبارند (validity).

متغیرهای بعدی مربوط به تصور مردم از وضعیت آینده اخلاقی است. پاسخگویان تصور می‌کنند جامعه در پنج سال آینده غیراخلاقی‌تر می‌شود. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان دهنده یاس اجتماعی است یعنی اکثر پاسخگویان معتقدند وضعیت در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، دینی و...)

بدتر می‌شود. آن‌ها معتقدند که وضعیت در گذشته بهتر بوده است، الان بدتر از گذشته است و در آینده وضعیت بدتر از این خواهد شد. این احساس که "من در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که به لحاظ متغیرهای اجتماعی رو به وخامت است"، بسیار مهم است. چنین احساسی می‌تواند زمینه شکل‌گیری روحیه «خودگرایی» و پیگیری منافع شخصی شود. یا به تعبیر رایج هر کس سعی کند فقط گلیم خود را از بیرون بکشد.

اساساً نتایج پژوهش‌های مربوط به نگرش نباید در فاصله‌ی دو سال تغییرات زیادی داشته باشد. ولی همان‌طور که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، در همین فاصله‌ی دو سال مردم احساس کرده‌اند که وضعیت بدتر شده است (نقطه‌ی مبدأ سال ۱۳۷۹ است و نقطه‌ی مقصد سال ۱۳۸۲): کمیابی صفات مثبت از ۵۸ درصد در سال ۷۹ به ۷۱ درصد در سال ۸۲ رسیده است. رواج صفات منفی اخلاقی از ۶۹ درصد در سال ۷۹ به ۸۷ درصد در سال ۸۲ رسیده است.

نمودار ۱- سیمای اخلاقی جامعه در ۵ سال آینده



در سال ۱۳۵۳ سؤالات دیگری پرسیده شده بوده است، ولی به طور کلی در جواب این سؤال که آینده را چگونه می‌بینید، اکثریت زیادی جواب مشخصی برای این سؤال نداشتند ولی در میان عده‌ای که پاسخ داده بودند، هرچه تحصیلات بالاتر می‌رفت، آینده را مذهبی‌تر می‌دیدند. این در حالی است که نتایج پژوهش‌های بعد از انقلاب نشان می‌دهد هرچه تحصیلات بالاتر می‌رود، تصورشان از آینده غیرمذهبی‌تر است. یعنی روابط کاملاً معکوس شده است.

در خصوص برخی متغیرهای مانند اعتماد، در سال ۱۳۵۳ میزان آن نسبتاً بالاتر بوده است - هر چند که میزان کلی آن در آن سال نیز پائین بوده است - ولی در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ میزان آن تنزل بیشتری پیدا کرده است. یعنی گرایش به ارزیابی منفی راجع به جهان اجتماعی در گروه‌های مختلف دیده می‌شود.

محتمل است در موقعیتی که مردم وضعیت حال را مطلوب نمی‌دانند، به آینده نیز امید چندانی ندارند، به یک گذشته طلایی و خیالی پناه برند.

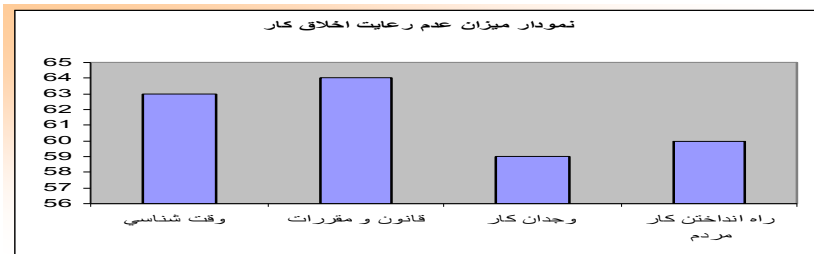
## ۲. اخلاق کار در جامعه

در این زمینه چهار مفهوم مورد سؤال قرار گرفته است: راه‌انداختن کار مردم، وجدان کار، قانون و مقررات و وقت‌شناسی. تحلیل عاملی در مورد این چهار مؤلفه‌ی اخلاق کار مؤید این نکته است که هر چهار بعد یک عامل را تشکیل می‌دهند.

همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد اکثریت پاسخگویان معتقدند که اخلاق کار در جامعه در سطح نازلی قرار دارد. در چنین شرایطی، فرد انگیزه کمی برای خوب کار کردن دارد.

مردان کمی بیشتر از زنان به پایین بودن اخلاق کار در جامعه اعتقاد دارند، ولی این تفاوت زیاد نیست. به همین ترتیب، جوانان و میانسالان سطح اخلاق کار را پایین‌تر از افراد مسن می‌دانند ولی این تفاوت هم زیاد نیست.

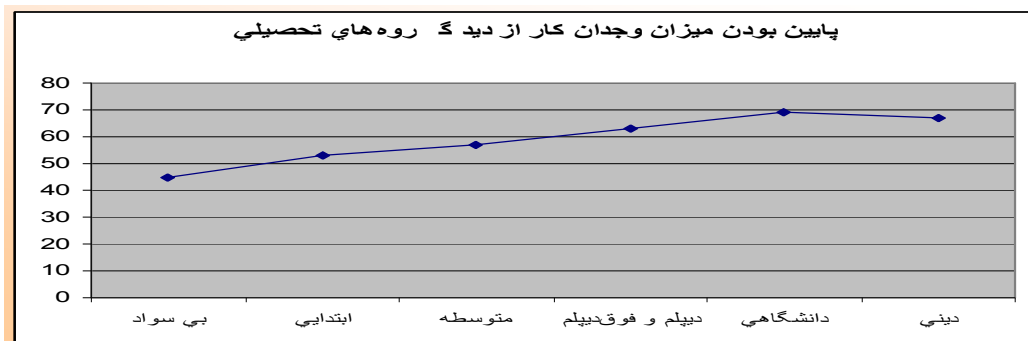
نمودار ۲- وضعیت اخلاق کار بر حسب اخلاق چهارگانه



تفاوت مهمی بین سطوح مختلف تحصیلی مشاهده می‌شود. شدیدترین ارزیابی منفی در بین افراد داری تحصیلات دانشگاهی مشاهده می‌شود. در مورد رعایت وجدان کار، با افزایش سطح تحصیلات بر میزان ارزیابی منفی افزوده می‌شود. به نحوی که ۴۵ درصد افراد بی‌سواد معتقدند که وجدان کار به میزان کمی رعایت می‌شود. این نسبت برای سطوح ابتدایی، ۵۳ درصد، متوسطه ۵۷ درصد، دیپلم ۶۳ درصد و دانشگاهی

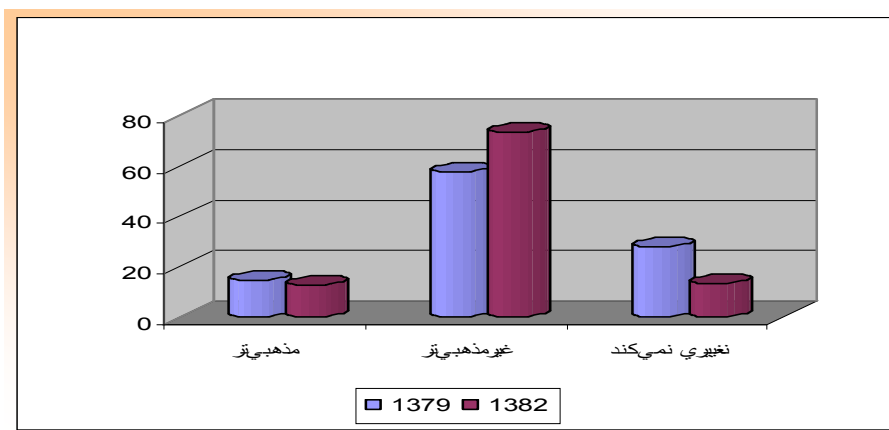
۶۹ درصد و تحصیلات دینی ۶۷ درصد است. تحصیلات باعث می‌شود انتظارات افراد افزایش یابد و چون وضعیت کنونی را مطابق با این انتظارات نمی‌بینند، ارزیابی آن‌ها منفی‌تر می‌شود.

نمودار ۳- دیدگاه مردم نسبت به وجدان کار در میان گروه‌های تحصیلی مختلف



### ۳. گرایش‌های مذهبی

نمودار ۷- آینده‌گرایش‌های دینی



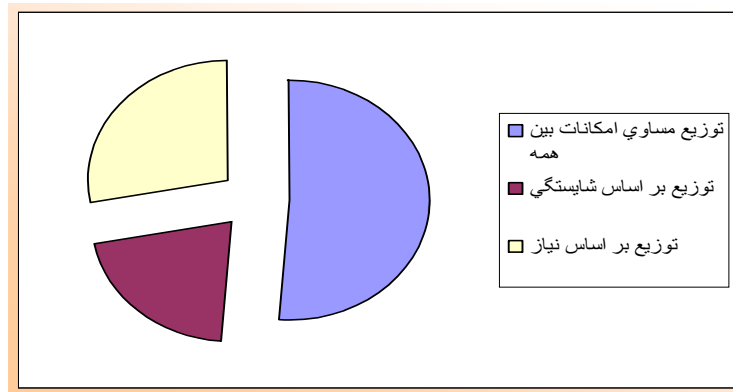
نمودار ۷ آینده‌گرایش‌های دینی از دید مردم را نشان می‌دهد. مطابق این نمودار در سال ۱۳۷۹ تقریباً ۷۰ درصد پاسخگویان معتقدند مردم نسبت به ۵ سال گذشته غیر مذهبی‌تر شده‌اند. ۱۶ درصد اعتقاد به مذهبی‌تر شدن و ۱۴ درصد به عدم تفاوت آنها اعتقاد دارند. این نسبت‌ها در سال ۱۳۸۲ بدین صورت است: ۷۴ درصد معتقدند مردم در ۵ سال آینده غیر مذهبی‌تر می‌شوند و ۱۳ درصد به عدم تفاوت و به همین میزان به مذهبی‌تر شدن آنها اعتقاد دارند.

در پاسخ به سؤال "چقدر از مشکلات جامعه توسط دین حل می‌شود؟"، ۴۰ درصد معتقدند که مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه فقط از طریق توجه به دین قابل حل است و ۴۵ درصد مخالف این ایده هستند. اگر به قشر تحصیل کرده نزدیک‌تر شویم، باز این رقم افزایش می‌یابد. در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت هر چقدر به سمت متغیرهای انتزاعی‌تر حرکت می‌کنیم، واریانس کمتر و میزان اجماع بیشتر می‌شود. هر جا که این امر با مناسبات اجتماعی پیوند می‌خورد، ما شاهد نگرش‌های قطبی هستیم.

#### ۴. عدالت

تصور افراد از عدالت تصور مساوات‌گرایانه است. نیمی از افراد عدالت را توزیع یکسان امکانات میان افراد می‌دانند. ۲۸ درصد عدالت را اختصاص امکانات بیشتر به افراد نیازمند می‌دانند و ۲۱ درصد هم معتقدند عدالت یعنی توزیع امکانات بیشتر به افراد شایسته‌تر. این امر در مناطق حاشیه‌ای ایران شدت بیشتری دارد.

نمودار ۱۳- مفهوم عدالت از دید مردم

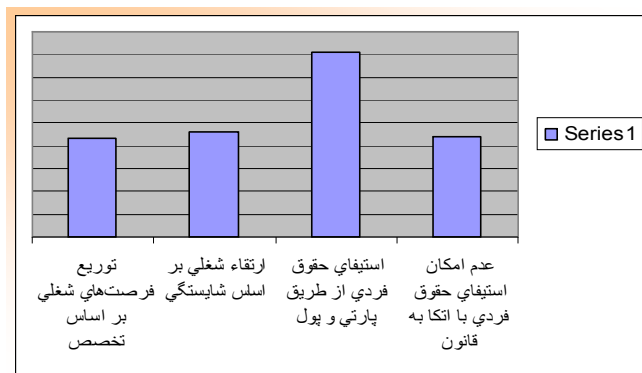


ارزیابی افراد در باره وضعیت عدالت به تفکیک برخی از عوامل به این صورت است:

- ارزیابی پاسخگویان از توزیع فرصت‌های شغلی چندان مثبت نیست. به طوری که ۴۳ درصد اعتقاد دارند تجربه و تخصص نقشی در یافتن شغل مناسب ندارد. در مقابل ۲۳ درصد نقش آن را مهم می‌دانند. به عبارت دیگر نزدیک به نصف جامعه اعتقاد دارند که تجربه و تخصص در به دست آوردن شغل مهم نیست!
- ۴۶ درصد معتقدند افراد عادی با داشتن تجربه و تخصص نمی‌توانند به مقامات بالا برسند، در مقابل ۴۰ درصد آن را عملی و ممکن می‌دانند. این امر به نوعی بسته بودن دایره‌ی نخبگان را از دید مردم نشان می‌دهد.

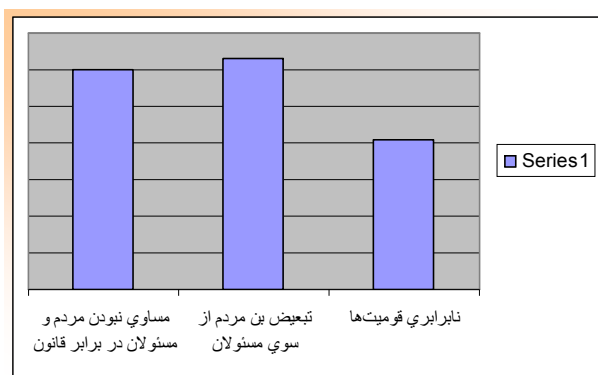
- پاسخگویان اعتقادی به اعمال قانون و استیفای حقوق خود از طریق قانون ندارند. ۸۱ درصد معتقدند نداشتن پول و پارتی باعث ضایع شدن حقوق فردی می‌شود و ۱۲ درصد به این امر اعتقادی ندارند.

نمودار ۱۱- بی‌عدالتی از دید مردم



- ۴۴ درصد معتقدند از طریق قانون نمی‌توانند حقوق ضایع شده شان را دریافت کنند. در مقابل ۱۵ درصد این امر را ممکن می‌دانند.
- ۶۰ درصد رعایت قانون را در مورد مردم و مسئولین یکسان نمی‌دانند و در مقابل ۸ درصد اعتقاد به توزیع یکسان آن دارند.
- ۶۳ درصد نگاه مسئولین به همه مردم را یکسان نمی‌دانند و ۲۲ درصد به نگاه یکسان آنها به همه معتقد هستند.

نمودار ۱۲- بی‌عدالتی از دید مردم نسبت به قومیت‌ها



- مردان بیشتر از زنان جامعه را ناعادلانه می‌دانند. تفاوت مشاهده شده بین دو جنس معنادار است. ۴۰ درصد زنان معتقدند که توزیع فرصت‌های شغلی بر اساس شایستگی‌های فردی صورت می‌پذیرد. این نسبت در بین مردان ۳۸ درصد است.
  - در عین حال، در مورد عوامل غیرفردی برای کسب شغل تفاوت مهمی بین زنان و مردان مشاهده می‌شود. مردان پارتی را در کسب شغل مهم می‌دانند، در حالی که زنان، شانس را در کسب فرصت‌های شغلی مهم‌تر می‌دانند.
  - با افزایش تحصیلات بر تصور غیرعادلانه بودن توزیع فرصت‌های شغلی افزوده می‌شود. به نحوی که در بین افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، ۷۱ درصد معتقدند که برای به دست آوردن شغل، توانایی و شایستگی‌های فردی اهمیتی ندارند، بلکه پارتی و شانس در این میان اهمیت بیشتری دارند. همین گرایش در بین دارندگان دیپلم و فوق‌دیپلم نیز مشاهده می‌شود.
- به طور کلی هر چه سهم تحصیلات و گروه‌های جوان افزایش می‌یابد، نارضایتی از بی‌عدالتی نیز افزایش می‌یابد.

## ۵. امنیت شغلی در سال ۱۳۸۳

در این خصوص یافته‌ها نشان می‌دهد:

- ۲۹ درصد افراد احساس امنیت شغلی نمی‌کنند.
- ۵۲ درصد افراد احساس امنیت شغلی می‌کنند.
- از بین افرادی که احساس امنیت شغلی نمی‌کنند، ۵۴ درصد احتمال به دست آوردن مجدد شغل را کم می‌دانند.

یعنی حدود یک سوم شاغلین به نوعی در حالت اضطراب و نگرانی به سر می‌برد.

## ۶. وضعیت آینده از نظر مردم

همانطور که در ابتدای صحبت‌م عرض کردم، تصور بدبینانه‌ای در بین پاسخگویان در باره وضعیت جامعه وجود دارد. اجزاء این نگرش را با تفصیل بیشتری در این بخش می‌آورم.

- ۷۱ درصد معتقدند که در آینده صفات اخلاقی مثبت کمتر خواهد شد.
- ۸۷ درصد معتقدند که در آینده خصوصیات اخلاقی منفی رواج خواهد داشت.
- ۶۹ درصد معتقدند که مردم در گذشته بیشتر نماز می‌خواندند.
- ۷۰ درصد معتقدند که مردم نسبت به گذشته غیرمذهبی‌تر شده‌اند.
- ۷۴ درصد معتقدند مردم در آینده غیرمذهبی‌تر می‌شوند.
- ۸۸ درصد معتقدند فاصله طبقاتی بیشتر شده است. در سال ۱۳۷۹، ۸۰ درصد پاسخگویان چنین اعتقادی داشتند.
- ۸۷ درصد معتقدند که در آینده فاصله طبقاتی بیشتر می‌شود. در سال ۱۳۷۹، ۷۷ درصد پاسخگویان چنین اعتقادی داشتند.

## ۷. اعتماد به گروه‌های شغلی

بر اساس تحلیل عاملی چهار گروه زیر برای مشاغل به دست آمد:

۱. خدمات شخصی: کارگران، رانندگان تاکسی
۲. مشاغل با ماهیت تجاری: بنگاه‌داران، کسبه، تجار و بازاریان
۳. مشاغل با ماهیت خدمت‌رسانی عمومی: پزشکان، قضات، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی، ارتشی‌ها، مدیران دولتی، روحانیون
۴. مشاغل فرهنگی و هنری: معلمان، روزنامه‌نگاران، استادان دانشگاه، ورزشکاران، هنرمندان، دانشجویان

همان‌طور که در جدول ۲ قابل مشاهده است:

- بالاترین سطح اعتماد به مشاغل فرهنگی و هنری ابراز شده است.
- خدمات عمومی در سطح میانی اعتماد قرار دارند.

جدول ۲- مقایسه‌ی اعتماد به گروه‌های شغلی در سال ۱۳۸۲

اعتماد به گروه های شغلی	۱۳۸۲	اعتماد به گروه های شغلی	۱۳۸۲
معلمان	۷۷	هنرمندان	۴۸
استادان دانشگاه	۷۰	روحانیون	۴۱
ورزشکاران	۶۲	قضات	۳۵
ارتشی‌ها	۵۶	روزنامه‌نگاران	۳۳
پزشکان	۵۶	مدیران دولتی	۲۲
راهنمایی و رانندگی	۵۵	رانندگان تاکسی	۲۱
دانشجویان	۵۳	کسبه	۱۷
نیروی انتظامی	۵۳	تجار و بازاریان	۱۰
کارگران	۴۹	بنگاه‌داران	۴

نتایج ارزیابی تغییرات اعتماد شغلی نسبت به مشاغل بین سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۲ نشان می‌دهد:

- اعتماد به نیروی انتظامی (۵درصد)، راهنمایی و رانندگی (۴درصد)، ارتشی‌ها (۵درصد)، افزایش داشته است.
- اعتماد به قضات (۷ درصد) و پزشکان (۵ درصد) کاهش داشته است.
- در مجموع، اعتماد به گروه‌های شغلی در این دوره ثبات نسبی داشته است.

#### ۸. ارزیابی وضعیت طبقاتی خود و جامعه

- پاسخگویان در ارزیابی وضعیت طبقاتی جامعه و خود نظرات متفاوتی ابراز کرده‌اند. از نظر آنها ۵۱ درصد مردم جزء طبقه متوسط و ۴۷ درصد جزء طبقه پایین هستند.

- در مورد وضعیت خود، اکثریت پاسخگویان خود را جزء طبقه متوسط دانسته‌اند. ۷۲ درصد خود را جزء طبقه متوسط و ۲۷ درصد خود را جزء طبقه پایین دانسته‌اند.

در این داده می‌بینیم که مردم در ارزیابی وضعیت فردی خود خوش‌بینانه‌تر و در ارزیابی اجتماعی، بدبینانه‌تر نظر می‌دهند. این فاصله را می‌توان در برخی دیگر از متغیرها هم مشاهده کرد. مثلاً در باره وضعیت مذهب نیز چنین فاصله‌ای قابل مشاهده است. یعنی خود را مذهبی‌تر می‌دانند ولی معتقدند که جامعه، غیرمذهبی‌تر شده است.

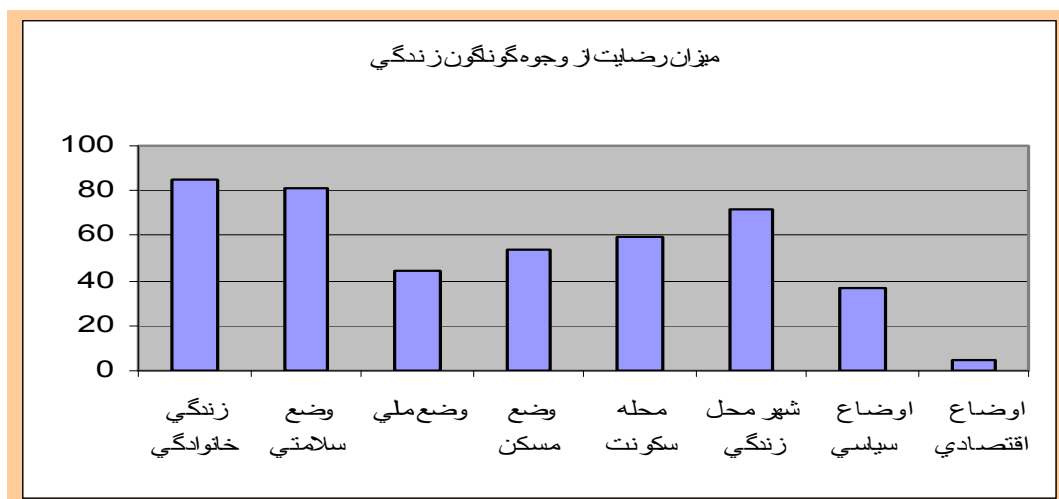
#### ۹. آینده‌ی وضعیت طبقاتی

- ۸۸ درصد پاسخگویان ارزیابی‌شان از وضعیت فعلی ساخت طبقاتی، شکاف بیشتر فقرا و ثروتمندان طی سال‌های اخیر است. صرفاً ۵ درصد این ساخت را مشابه سال‌های گذشته و ۷ درصد کاهش شکاف میان ثروتمندان و فقرا را ارزیابی کرده‌اند.

- ۸۷ درصد به افزایش فاصله طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان معتقد هستند و ۸ درصد به کاهش آن اعتقاد دارند.

- میزان رضایت از وجوه گوناگون زندگی در نمودار ۱۴ نشان داده شده است. بیشترین میزان رضایت از زندگی خانوادگی و کمترین میزان رضایت از اوضاع اقتصادی است.

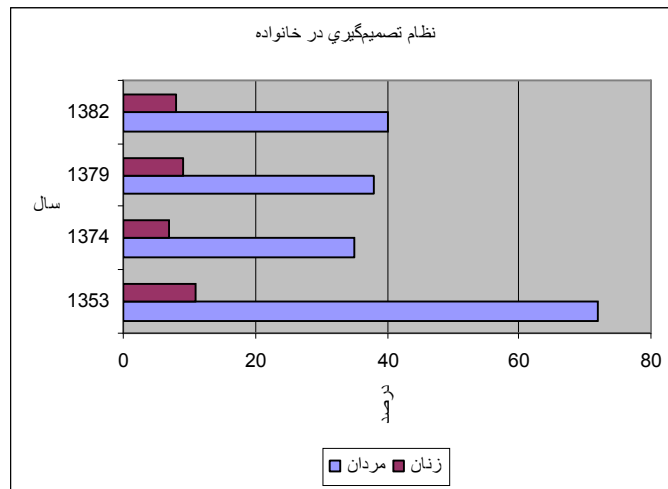
نمودار ۱۴- میزان رضایت از وجوه گوناگون زندگی



۱۰. خانواده و نگرش‌های جنسیتی

همانطور که نمودار ۱۵ نشان می‌دهد به تدریج از سهم تصمیم‌گیری مردان در خانواده کاسته شده ولی به سهم تصمیم‌گیری زنان افزوده نشده است. یعنی این که در خانواده‌ها به سوی تصمیم‌گیری جمعی حرکت کرده‌ایم. به عبارت دیگر ساخت خانواده در طی سه دهه تغییرات اساسی داشته است.

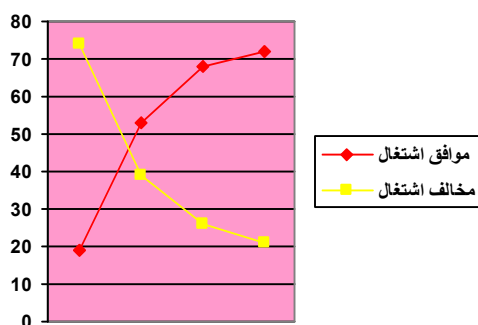
نمودار ۱۵- نظام تصمیم‌گیری در خانواده بین سال‌های ۱۳۵۳ الی ۱۳۸۲



۱۱. نگرش نسبت به اشتغال زنان بین سال‌های ۸۲-۱۳۵۳

در سال‌های قبل از انقلاب مخالفت با اشتغال زنان بسیار شدید بوده است. در سال‌های بعد از انقلاب با شتاب بسیار زیادی نگرش جامعه در مورد اشتغال زنان تغییر کرده است و یک جایجایی کامل نگرشی صورت گرفته است. به نحوی که از ۷۰ درصد مخالفت به ۷۰ درصد موافقت تغییر جهت داده شده است. نکته‌ی جالب این است که وقتی از افراد راجع به اشتغال زنان به طور کلی و راجع به اشتغال همسر خودشان سؤال می‌شود، دو پاسخ متفاوت می‌دهند. گرایش برای کار کردن همسر خودشان کمتر است ولی گرایش برای کار کردن زنان به طور کلی بالاست.

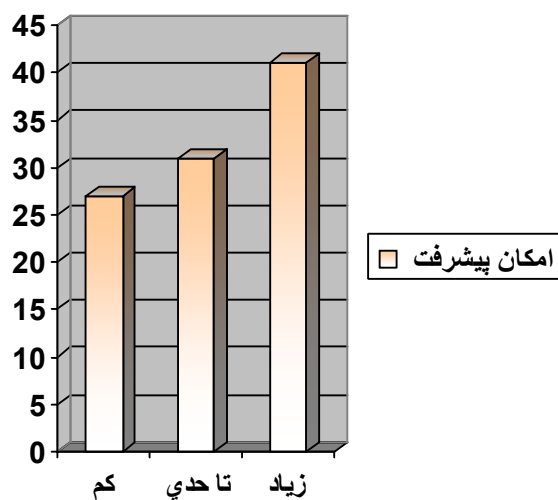
نمودار ۱۶- سیر نگرش نسبت به اشتغال زنان بین سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۳



### ۱۲. امکان پیشرفت برای زنان در سال ۱۳۸۲

نسبت کمی از پاسخگویان معتقد به محدودیت امکان پیشرفت برای زنان هستند. ۴۱ درصد امکان پیشرفت را برای زنان زیاد می‌دانند. ۳۱ درصد تاحدی و ۲۷ درصد امکان کمی برای پیشرفت زنان قائل هستند.

نمودار ۱۷- نگرش نسبت به پیشرفت زنان در سال ۱۳۸۲



زنان ساخت جامعه را برای پیشرفت خود محدودتر می‌بینند. ۳۰ درصد زنان معتقدند امکان پیشرفت محدود است. این نسبت برای مردان ۲۵ درصد است. جوانان بیشتر از دیگران جامعه را برای زنان محدودکننده می‌بینند. ۲۹ درصد جوانان به محدودیت جامعه معتقدند. این نسبت در بین میانسالان ۲۶

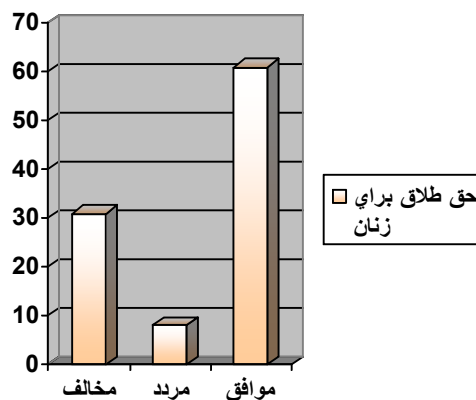
درصد و در میان سالخوردگان ۲۵ درصد است. با افزایش تحصیلات، احساس محدودیت جامعه برای زنان بیشتر می‌شود. این احساس در بین دانشگاهیان بیشتر است (۳۲ درصد). در مجموع، زنان، جوانان و تحصیل‌کردگان بیشتر از دیگر گروه‌ها به محدودیت پیشرفت زنان اعتقاد دارند.

### ۱۳. حق طلاق برای زنان (۱۳۸۲)

حق طلاق برای زنان هنجار جدیدی است که مورد پذیرش اکثریت جامعه قرار گرفته است. با این حال، ۳۱ درصد جامعه با حق طلاق زنان مخالف است. مخالفت با حق طلاق زنان در بین مردان بیشتر است. ۳۷ درصد مردان با حق طلاق زنان مخالفند. ۲۶ درصد زنان نیز با حق طلاق زنان مخالفند. جوانان و میانسالان با حق طلاق زنان موافقت بیشتری دارند.

با افزایش تحصیلات، حق طلاق زنان عمومیت بیشتری یافته است. ۷۰ درصد دارندگان تحصیلات عالی با حق طلاق موافقت می‌کنند. این نسبت در بین افراد بی‌سواد و ابتدایی ۴۶ درصد است.

نمودار ۱۸- نگرش نسبت به اختصاص حق طلاق به زنان



در پایان می‌توان اضافه کرد: واکنش به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، در بین تمام گروه‌های اجتماعی یکسان نیست، بخشی از این واکنش‌ها را می‌توان بر اساس نتایج چنین پیمایش‌هایی فهم کرد و بخش دیگر هم را با تحلیل آثار فرهنگی از قبیل رمان‌ها، فیلم‌ها و موسیقی‌ها و... واکنش به چنین جهانی، مستقیم و ساده‌ای نیست که بتوان بر اساس مدل‌های خطی تحلیل کرد. تصور نمی‌کنم بتوان گفت چون پاره‌ای از رفتارهای دینی در حال کاهش هستند، پس جامعه به سوی غیرمذهبی شدن حرکت می‌کند و یا به دلیل این که مردم جامعه را غیراخلاقی می‌دانند، گرایش عمومی به سوی سست شدن اخلاق تغییر می‌کند. شاید بتوان گفت در شرایطی که ارزش‌های دینی و اخلاقی کمیاب شده‌اند، تقاضا برای آنها افزایش می‌یابد.

ولی با صورت‌های مختلف. مثلاً می‌توان سوال کرد چرا به موازات کمیاب شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی، تمایل به کتاب‌های معنوی‌گرا و یا عرفانی مثل کتاب‌های کاستاندا و مانند آن افزایش یافته است. این‌ها نکات مهمی است که تبیین آنها می‌تواند به درک دنیای اجتماعی ما کمک کنند.

یک نکته را هم در باره واکنش به چنین جهانی طرح کنم که تا حدی هم با آسیب‌شناسی مرتبط است. وقتی فرد احساس می‌کند جهان اجتماعی او جهان مطلوبی نیست و در آینده نیز به سمت وضعیت مطلوب پیش نخواهد رفت، ممکن است سه نوع واکنش نشان دهد: ۱- خود را از چنین جهانی دور کند (مثل مهاجرت) ۲- از این جهان فاصله بگیرد و مثلاً به مواد مخدر پناه ببرد. ۳- به گذشته پناه ببرد و یا به آئین‌های فردی معنویت توسل جوید.

روشن است که مطالعه درباره واکنش‌ها خود نیازمند طرح مستقل دیگر و داده‌هایی متفاوت است. تا زمان انجام این نوع مطالعات، چنین واکنش‌هایی را می‌توان در حد گمانه‌هایی ابتدایی تعبیر کرد که نیازمند آزمون علمی است.